

از کلمات رسال النور

رساله رمضان

تأليف
بديع الزمان سعيّد النورسي

دار سوزلر للنشر

Sözler
PUBLICATIONS



رساله رمضان

نام کتاب :
رساله رمضان
تأليف :
بديع الزمان سعيد نوري
ترجمه :
داود وفاي
چاپ اول: بهار ۱۳۹۵
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

ناشر :
انتشارات سوزلر

آدرس:
خیابان ۳۰ جعفر صادق
شهرک نصر ۷ - قاهره
جمهوری عربی مصر
تلیفکس: ۲۳۸۱۲۰۹۸ (۲۰۲)+

TITLE :
RAMAZAN RİSALESİ
AUTHOR :
BEDİÜZZAMAN SAİD NURSİ
TRANSLATED BY :
DAWOUĐ WAFAYI
EDITION : Fİ (2016)
ALL RIGHTS RESERVED
PUBLISHER :
SÖZLER PUBLICATIONS
ADDRESS :
S. Demirel Bulvarı Aykosan
San. Sitesi 4'lü A Blok Kat: 3
No: 244 İkitelli
İstanbul / Türkiye
Tel: +902126712547-48 pbx
Fax: +902126712549

AFGHANISTAN:

Email: guftarhainur@gmail.com

Mobile: +93 (0) 779 769 748

www.sozler.com.tr

e-mail: darsozler@gmail.com

از کلمات رسائل النور

رساله رمضان

تأليف
بديع الزمان سعيد النورسي

دار سوزلر للنشر
Sözler
PUBLICATIONS

مترجم
داود وفابي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بخش دوم از مکتوب بیست و نهم درباره رمضان شریف است

(نه حکمت از حکمت‌های فراوان رمضان
شریف را بیان می‌کند.)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى

لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ﴾ (بقره: ۱۸۵)





نکته نخست

روزه ماه مبارک رمضان، جزو نخستین رکن در ارکان خمسه اسلام است، نیز از اعظم شعائر اسلام به شمار می‌رود.

روزه ماه مبارک رمضان حکمت‌های متعددی دارد که ناظر بر ربوبیت حضرت حق، حیات اجتماعی انسان، حیات شخصی او، تربیت نفس و شکرگزاری نعمت‌های الهی می‌باشد.

یکی از حکمت‌های فراوان روزه در خصوص ربوبیت حضرت حق از این قرار است:

حضرت حق از این لحاظ که روی زمین را چون سفره نعمت آفرید و انواع نعمت‌ها را به طرز

﴿مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق: ۳)

در آن چید، کمال ربوبیت و رحمانیت و رحیمیت خود را با این وضع بیان می‌دارد. انسان‌ها زیر حجاب غفلت و در دایره اسباب



قادر نیستند حقیقتی را که وضعیت فوق افاده می‌کند ببینند و گاه آن را فراموش می‌کنند. اما در ماه مبارک رمضان همه مؤمنان به یکباره حکم ارتش منظم را می‌یابند. آن‌ها به مهمانی سلطان ازل دعوت می‌شوند و نزدیک غروب با نشان دادن طرز عبادتی - که گویی منتظر امر «بفرمایید» هستند - در برابر رحمانیت او - که کلی و توأم با شفقت و حشمت و شکوه است - با عبودیتی فراگیر، عظیم و مرتب پاسخ می‌دهند. آیا کسانی که در چنین عبودیت عالی و کرامتی شریف مشارکت نمی‌کنند شایسته نام انسان هستند؟

نکته دوم

روزه ماه مبارک رمضان از این لحاظ که ناظر است بر شکر نعمت‌های حضرت حق، حکمت‌های فراوانی دارد. یکی از آن حکمت‌ها بدین قرار است: هم‌چنان که در کلام «نخست» بیان شد غذاهایی که خدمتکار از مطبخ پادشاه





می آورد قیمتی دارد؛ در حالی که به خدمتکار
انعام می دهند، غذاهای بسیار پر بها را بی ارزش
گمان کنند و کوششی برای شناخت منعم نداشته
باشند مرتکب بلاهتی فوق العاده می شوند؛ به
همین ترتیب حضرت حق نیز انواع نعمت های
بی شمار خویش را برای بشر روی زمین پخش
کرده است. در مقابل آن به عنوان قیمت نعمت های
مذکور خواهان شکر است. اسباب و اصحاب
ظاهری آن نعمت ها نیز در حکم همان خدمتکار
آورنده غذا هستند. به چنین خدمتکارانی مبلغی
می پردازیم، وامدار زحمت شان می شویم، حتی
گاه حرمت و احترامی بسیار بیش تر از آن چه
مستحقش هستند، می گذاریم؛ در حالی که منعم
حقیقی به واسطه نعمتی که در اختیارمان گذاشته
است بسیار بیش تر از اسباب مذکور شایستگی
سپاسگزاری را دارد. تشکر کردن از او در گرو
این است که آن نعمت ها را مستقیماً از او دانسته



و از ارزش نعمت‌ها تمجید کرده و احتیاج خویش
به آن نعمت‌ها را حس کنیم.

روزه ماه مبارک رمضان کلید شکری واقعی
و خالص، عظیم و عمومی‌ست. در سایر مواقع،
اجباری متوجه بیشتر انسان‌ها نیست، لذا
گرسنگی را آن‌طور که باید و شاید احساس
نمی‌کنند؛ در نتیجه درک درستی از بهای بسیاری
از نعمت‌ها ندارند. میزان نعمت بودن یک تکه
نان خشک، نزد کسانی که سیرند مخصوصاً
متمولان، دانسته نمی‌شود. اما ذائقه فرد مؤمن در
زمان افطار گواهی می‌دهد که همان نان خشک
چه نعمت ارزشمند الهی‌ست. همه، از پادشاه
گرفته تا فردی فقیر، در ماه مبارک رمضان پی به
ارزش نعمت‌ها می‌برند و مظهر شکری معنوی
می‌شوند. فرد به سبب منعی که در خوردن غذا
در طول روز هست چنین می‌اندیشد که «مالکیت
نعمت‌ها از آن من نیست، من در خوردن این





غذاها آزاد نیستیم؛ معلوم می‌شود این غذاها و نعمت‌ها به کس دیگری تعلق دارد و انعام اویند، منتظر فرمان او هستیم.» لذا پی به نعمت بودن نعمت‌ها می‌برد و به لحاظ معنا شکر می‌کند. روزه به این صورت حکم کلید شکر را می‌یابد که به لحاظ گوناگون وظیفه واقعی انسان است.

نکته سوم

روزه از آن لحاظ که ناظر بر حیات اجتماعی انسان است دارای حکمت‌های فراوانی است، که یکی از آن‌ها چنین است: انسان‌ها از نظر معیشت به صورت‌های مختلف آفریده شده‌اند. حضرت حق بنا بر اختلاف مذکور، ثروتمندان را به یاری فقرا و تهی‌دستان دعوت می‌کند. حال این‌که ثروتمندان می‌توانند حال و روز دردآور و گرسنگی فقیران را با گرسنگی حاصل از روزه به خوبی احساس کنند. اگر روزه‌یی در کار نباشد ممکن است بسیاری از ثروتمندان نفس‌پرست



درک نکنند که گرسنگی و فقر چه قدر دردناک است و گرسنگان و تهی‌دستان تا چه حد نیازمند شفقت و مهربانی هستند. از این نظر در انسانیت، مهربانی به هم‌نوع از پایه‌های شکر حقیقی‌ست. هر کسی صرف نظر از این‌که چه کسی‌ست، می‌تواند فردی فقیرتر از خود را بیابد. او مکلف به مهربانی در برابر چنین کسی‌ست. اگر در چشاندن گرسنگی به نفس، مجبور نباشد، فرد نمی‌تواند احسان و کمکی را که مکلف است به واسطه شفقت به‌جا آورد و عملی کند؛ عملی هم کند کامل نخواهد بود، زیرا آن حالت واقعی را در نفس خویش احساس نمی‌کند.

نکته چهارم

روزه ماه مبارک رمضان از آن لحاظ که ناظر بر تربیت نفس است حکمت‌های متعددی دارد که یکی از آن‌ها به این شرح است: نفس می‌خواهد آزاد و رها باشد و چنین تلقی‌ای دارد.



حتی به لحاظ فطری، ربوبیتی موهوم را آرزو می‌کند و دوست دارد هر طور که می‌خواهد رفتار کند. علاقه ندارد به این فکر کند که توأم با نعمت‌های بی‌شمار تربیت شده است. مخصوصاً اگر در دنیا ثروت و اقتداری داشته باشد، و غفلت هم یاری‌اش کند، نعمت‌های الهی را غاصبانه و با شرارت و حیوان‌گونه غصب خواهد کرد.

در ماه مبارک رمضان نفس هر کس از ثروتمندترین تا فقیرترین فرد در می‌یابد که «خود، مالک نیست، مملوک است؛ آزاد نیست، عبد است؛ اگر فرمان صادر نشده باشد عادی‌ترین و سهل‌ترین کار را هم نمی‌تواند انجام دهد؛ حتی دستش را به سوی آب نمی‌تواند دراز کند و ربوبیت موهومش در هم می‌شکند» آن‌گاه [لباس] عبودیت را می‌پوشد و به شکر که وظیفه اصلی اوست می‌پردازد.



نکته پنجم

روزه ماه مبارک رمضان از این لحاظ که ناظر است بر تهذیب اخلاق نفس و ممانعت از سرکشی و طغیان، حکمت‌های گوناگونی دارد؛ یکی از آن‌ها چنین است: نفس انسان به موجب غفلت خود را فراموش می‌کند. نمی‌تواند عجز بی پایان، فقر بی‌نهایت، و کوتاهی‌های به غایت فراوان را در ماهیت خود ببیند و اصولاً نمی‌خواهد که ببیند. به این هم فکر نمی‌کند که چه قدر ضعیف بوده و در معرض زوال و آماج مصیبت‌هاست، و چیزی نیست جز گوشت و استخوانی که خیلی زود فاسد و نابود می‌شود. گمان می‌کند وجودی از پولاد دارد و چنان به دنیا وابسته می‌شود که گویی خود را ابدی و فناپذیر می‌داند. با حرص و طمعی شدید و علاقه و محبتی مفرط وابسته دنیا می‌شود. به اموری که لذت و منفعت دارد دل می‌بندد.



آفریدگاری را که با کمال مهربانی تربیتش می‌کند فراموش می‌نماید، به نتیجه حیات و زندگی اخروی اش فکر نمی‌کند و در اخلاق ناپسند می‌غلطد.

روزه ماه مبارک رمضان ضعف و عجز و فقر غافلان و متمردان را به آنها می‌چشانند. فرد به واسطه گرسنگی به معده‌اش می‌اندیشد. نیازی را که معده دارد درک می‌کند. به خاطر می‌آورد که وجود ضعیفش چه قدر سست و ناپایدار است. درک می‌کند که تا چه حد نیازمند رحمت و مهربانی‌ست. فرعونیت نفس را کنار می‌گذارد و با کمال عجز و فقر احساس می‌کند خواهان پناه بردن به درگاه خداوند است و آماده می‌شود با شکری معنوی در رحمت را دق الباب کند. البته اگر غفلت، قلب او را نابود نکرده باشد ...



نکته ششم

روزه ماه مبارک رمضان از آن لحاظ که ناظر است بر نزول قرآن حکیم و این که ماه رمضان مهم‌ترین زمان نزول قرآن حکیم بوده است حکمت‌های بی‌شماری دارد؛ یکی از آن‌ها به این شرح است: مادام که قرآن حکیم در ماه رمضان نازل شده است اگر انسان به منظور حاضر شدن برای زمان نزول قرآن و برای حُسن استقبال از آن خطاب آسمانی نیازهای پست نفس و حالات بیهوده و بی‌معنا را ترک گوید و از خوردن و آشامیدن پرهیز کند وضعیتی شبیه ملائکه به دست می‌آورد و قرآن را طوری قرائت می‌کند یا می‌شنود که گویی تازه نازل شده است؛ خطاب‌های الهی را به نحوی می‌شنود که گویی در زمان نزول است؛ احساس می‌کند خطاب الهی را از طریق رسول اکرم ﷺ می‌شنود؛ و حالتی قدسی می‌یابد که گویی کلام را از حضرت جبرائیل و حتی از



متکلم ازلی می شنود. یعنی این که خود وظیفه ترجمان بودن را بر عهده می گیرد و آیات را به گوش دیگران می رساند و حکمت نزول قرآن را تا حدی نشان می دهد.

آری، جهان اسلام گویا در ماه مبارک رمضان حکم مسجدی را می یابد؛ میلیون ها حافظ قرآن در گوشه و کنار آن مسجد اکبر قرآن، این خطاب آسمانی را به گوش زمینیان می رسانند. هر رمضان، آیه‌ی

﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾

را با درخشندگی و نورانیت نشان داده و ثابت می کند که ماه قرآن است. سایر افراد این جماعت عظیم، برخی با خشوع به قرائت حافظان گوش فرا می دهند؛ و دیگران خود به قرائت آیات می پردازند. هر قدر تابع هوس های پست نفس شدن در این وضعیت، و در این مسجد مقدس، و خروج از این وضعیت نورانی به واسطه خوردن



و آشامیدن، زشت و ناپسند باشد و موجب نفرت معنوی جماعت حاضر در مسجد قرار گیرد، به همان میزان مخالفت با روزه داران ماه مبارک رمضان، نفرت معنوی عموم مسلمانان جهان اسلام را بر می‌انگیزد و هدف تحقیر آنان قرار می‌گیرد.

نکته هفتم

روزه ماه رمضان، از آن لحاظ که ناظر است بر منفعت انسانی که آمده است برای توشه‌ی آخرت در دنیا زراعت و تجارت کند، حکمت‌های فراوان دارد؛ یکی از آن‌ها از این قرار است: ثواب اعمال در ماه مبارک رمضان یک به هزار است. براساس نص حدیث، (قرائت) هر حرف قرآن ده حسنه دارد و ده میوه بهشتی بار می‌دهد. هر حرف قرآن در ماه مبارک رمضان نه ده ثواب که هزار ثواب دارد؛ مخصوصاً هر حرف آیاتی مانند آیت الکرسی هزاران ثواب و در جمعه‌های





رمضان ثواب بیش‌تری داشته، و در شب قدر ثواب سی هزار حسنه را دارد. آری، قرآن حکیم که هر حرفش سی هزار میوه باقی نتیجه می‌دهد حکم چنان شجره نورانی طوبایی را می‌یابد که در ماه مبارک رمضان میلیون‌ها میوه باقی نصیب مؤمنان می‌کند. اینک بیا و به تماشای این تجارت قدسی و ابدی و سودمند بنشین و بیندیش و بدان آنان که قدر و منزلت این حروف را نمی‌دانند تا چه حد در خسران‌اند.

ماه مبارک رمضان نمایشگاه و بازار پر درآمدی‌ست برای تجارت آخرت و زمین بسیار مرغوبی‌ست برای به دست آوردن محصولات اخروی. در نشو و نمای اعمال به ماه فروردین در فصل بهار می‌ماند. در حکم عیدی قدسی و بسیار درخشان برای انجام مراسم رژه عبودیت بندگان در برابر سلطنت ربوبیت الهی‌ست. به همین دلیل آدمی مکلف به روزه شده است



تا نخورد و نیشامد و با غفلت گرفتار حاجات و خواسته‌های حیوانی و بی‌معنا و هواپرستانه نفس نشود. گویی انسان مدتی از زندگی حیوانی جدا شده، مثل فرشتگان می‌شود، یا چون وارد تجارت اخروی شده و نیازهای دنیوی را موقتاً کنار گذاشته به صورت انسانی اخروی و روحی که به صورت جسم تظاهر یافته در آمده با روزه خود صمدیت را به نوعی آئینه داری می‌نماید. آری، رمضان شریف در این دنیای فانی در این عمر گذرا و زندگی کوتاه، عمری باقی، حیاتی طولانی و زندگانی‌ای ماندگار را تضمین و نصیب انسان می‌کند.

آری فقط یک رمضان می‌تواند ثمرات یک عمر هشتاد ساله را برای انسان داشته باشد. این که شب قدر به نص قرآن از هزار ماه برتر است، حجت قاطعی است بر این راز. آری، هم‌چنان که یک پادشاه در مدت سلطنت خود سالگرد





جلوس همایونی و یا روزهایی را که مظهر جلوه باشکوه سلطنتش بوده عید اعلام می کند و رعیت و ملت صادق و لایق خویش را در آن روز نه در دایره قوانین عمومی که در شمول احسان های خاص و حضور بی پرده و التفات ویژه و اجرائیات فوق العاده، مورد تفقد و مستقیماً مورد توجه خاص قرار می دهد. به همین ترتیب پادشاه ذوالجلال بیست و هشت هزار عالم - که سلطان ازل و ابد است - قرآن حکیم را - که فرمان عالی اوست و ناظر است بر همان بیست و هشت هزار عالم - در ماه مبارک رمضان نازل کرده است؛ پس به مقتضای حکمت، ماه رمضان حکم عید مخصوص الهی، نمایشگاه ربانی و مجلسی روحانی را خواهد داشت. مادام که رمضان حکم همان عیدی را دارد که گفتیم، پس برای این که انسان را تا حدودی از مشغولیت های حیوانی و پست کنار بکشند به او دستور روزه گرفتن می دهند.



کامل‌ترین شکل روزه نیز آن است که انسان کاری کند که اعضا و جوارح، همه حواس، چشم و گوش و قلب و خیال و فکرش هم مانند معده‌اش روزه باشند، یعنی آن‌ها را از محرّمات و امور بی‌معنی و بیهوده کنار بکشد و به سوی عبودیتی مخصوص هر کدامشان سوق دهد. مثلاً زبانش را از دروغ و غیبت و درشت‌گویی نگاه دارد؛ و به روزه‌ها دارد. زبانش را با چیزهایی مانند تلاوت قرآن و ذکر و تسبیح و صلوات و استغفار مشغول کند. یا چشمش را از نگاه به نامحرم و گوشش را از شنیدن اصوات ناصواب نگاه دارد؛ چشم را در راه عبرت گرفتن و گوش را در مسیر شنیدن کلام حق و قرآن به کار بگیرد. و به این ترتیب سایر اعضایش را هم به نوعی به روزه‌ها دارد. اصولاً چون معده مانند یک کارخانه بزرگ است، اگر با روزه کارهایش تعطیل شود، آلات و ابزار کوچک‌تر بدن را به راحتی می‌توان مطیع آن کرد.



نکته هشتم

رمضان مبارک از این لحاظ که ناظر بر حیات شخصی انسان می‌باشد دارای حکمت‌های فراوانی است، یکی از آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

روزه به عنوان اجتنابی مادی و معنوی علاج مهمی برای انسان است و به لحاظ طبی نیز پرهیز است. به این ترتیب که نفس انسان تا وقتی در امر خوردن و آشامیدن هر گونه که خواست عمل کند به حیات مادی فرد به لحاظ طبی ضرر می‌رساند؛ به همین ترتیب اگر بدون توجه به حلال و حرام هر چه را که به دست می‌آورد بخورد حیات معنوی او نیز مسموم می‌شود. تبعیت از قلب و روح برای چنان نفسی دشوار است. لگام را با طغیان و سرکشی به دست می‌گیرد. دیگر انسان نمی‌تواند سوار بر نفس شود و این نفس است که سوار بر انسان خواهد شد. فرد در رمضان شریف به واسطه روزه به نوعی پرهیز عادت کرده؛ در



مسیر ریاضت تلاش می کند، و فرمان پذیری را یاد می گیرد. به معده ضعیف و بیچاره نیز پیش از هضم، غذا روی غذا نمی خوراند تا سبب بیماری آن نشود. و چون به واسطه فرمان (الهی) حلال را ترک کرده است در پیروی از فرمان عقل و شریعت برای دوری از حرام قابلیت می یابد، به این ترتیب سعی می کند حیات معنوی خویش را از بین نبرد.

اکثریت مطلق انسان ها به کرات گرفتار گرسنگی می شوند. گرسنگی که تمرینی ست برای صبر و تحمل، نیازمند ریاضت است. گرسنگی طی پانزده ساعت روزه داری در ماه مبارک رمضان، و اگر بدون سحری باشد بیست و چهار ساعت گرسنگی، صبر و تحمل و ریاضت و تمرین است. پس علاج بی صبری و بی تحملی که مصیبت های بشر را دو چندان می کند نیز روزه است.



کارخانه معده خدمه فراوانی دارد. جوارح متعدد انسانی نیز با معده مرتبط می‌باشند. نفس اگر موقتی روزهای یک ماه را دست از کار نکشد کاری خواهد کرد که خدمه‌های آن کارخانه و اعضا و جوارح دیگر انسان عبادت خصوصی‌شان را فراموش کنند و با خود مشغول‌شان می‌کند؛ همه آن‌ها را به زیر سلطه خود در می‌آورد. دیگر اعضای بدن انسان را با سر و صدا و گرد و غبار چرخ‌های آن کارخانه معنوی مشوش کرده، نظرشان را مدام به خود جلب می‌کند. باعث می‌شود وظایف متعالی خود را موقتاً فراموش کنند. این است که از قدیم بسیاری از اهل ولایت برای کامل شدن، خود را به ریاضت و کم خوردن و کم نوشیدن عادت می‌داده‌اند. خدمه‌های آن کارخانه با روزه ماه مبارک رمضان می‌فهمند که فقط برای آن کارخانه آفریده نشده‌اند. جهازات دیگر به عوض سرگرمی‌های پست آن کارخانه،



در رمضان شریف از سرگرمی‌های روحانی و ملکوتی لذت می‌برند و چشم بر آن‌ها می‌دوزند. این است که مؤمنان در ماه مبارک رمضان نسبت به مراتبی که دارند مظهر انوار و فیض‌ها و شادی‌های معنوی متفاوت می‌شوند. لطائفی چون قلب و روح و عقل و سر، در ماه مبارک رمضان به واسطه روزه ترقیات فراوانی دارند و فیض‌هایی کسب می‌کنند. به رغم گریستن‌های معده، آن‌ها معصومانه می‌خندند.

نکته نهم

روزه ماه مبارک رمضان، از این لحاظ که ربوبیت موهوم نفس را در هم می‌شکند و با نشان دادن عجز و ناتوانی آن، عبودیت‌اش را خاطر نشان می‌کند، حکمت‌های متعددی دارد که یکی از آن‌ها به شرح زیر است:

نفس علاقه‌ی بی‌به شناخت پروردگارش ندارد و خود فرعون منشانه خواهان ربوبیت است. هر



قدر هم که عذاب ببیند این حساسیت و ویژگی در او باقی می ماند. فقط گرسنگی آن ویژگی را از بین می برد. روزه ماه مبارک رمضان به طور مستقیم بر جبهه فرعونیت نفس ضربه زده و آن را در هم می شکند. عجز و ضعف و فقرش را برملا کرده و بنده بودنش را به یاد می آورد.

در روایت‌ها حدیثی هست که حضرت حق از نفس پرسید: «من که هستم تو که هستی؟»
 نفس گفت: «من، من هستم و تو، تو هستی»
 خداوند نفس را عذاب داد، به جهنم انداخت و بعد دوباره سؤال کرد. نفس نیز مجدداً گفت:
 «أَنَا، أَنْتَ أَنْتَ». هر نوع عذابی را به نفس داد، اما نفس دست از انانیت برنداشت. سپس نفس را با گرسنگی عذاب داد؛ یعنی نفس را گرسنه رها کرد. آن گاه باز هم پرسید: «مَنْ أَنَا، وَ مَا أَنْتَ؟»
 نفس گفت: «أَنْتَ رَبِّي الرَّحِيمُ وَأَنَا عَبْدُكَ الْعَاجِزُ»



یعنی تو پروردگار رحیم من هستی و من بنده
عاجز تو.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلَاةً تَكُونُ لَكَ
رِضَاءً وَ لِحَقِّهِ آدَاءً بِعَدَدِ ثَوَابِ قِرَاءَةِ حُرُوفِ الْقُرْآنِ
فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَسَلِّمْ»

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ * وَسَلَامٌ عَلَى
الْمُرْسَلِينَ * وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ آمين



اعتذار

این بخش دوم، در چهل دقیقه به سرعت نوشته شد، لذا از آن جا که من و کاتب مسوده، بیمار بودیم بی شک بی نظمی و قصور در آن خواهد بود. از برادران مان انتظار داریم به دیده مسامحه در آن بنگرند. البته هر جا را مناسب دیدند می توانند تصحیح کنند.

* * *



ای پادشاهی که ما را با نعمتهایت
پرورده ای!

اصل و منابع این نمونه ها و سایه ها را - که
نشانمان داده ای - به ما نشان بده!

و ما را به مقرّ سلطنت فرا خوان.

ما را در این بیابانها محو و نابود مگردان.

ما را به حضورت بگیر.

و بر ما مرحمت فرما.

نعمتهای لذیذی را که در اینجا به ما چشانده
ای، در آنجا بخوران.

و با زوال و تبعید، ما را عذاب مده.

این رعیت فرمانبرداریت را که مشتاق
و سپاسگزار تو اند به حال خودشان رها مکن
و نابود مگردان

* * *







فهرست

۶ نکته نخست
۷ نکته دوم
۱۰ نکته سوم
۱۱ نکته چهارم
۱۳ نکته پنجم
۱۵ نکته ششم
۱۷ نکته هفتم
۲۲ نکته هشتم
۲۵ نکته نهم
۲۸ اعتذار
۳۱ فهرست

